



بایسته‌های ارزشیابی مردم‌محور خط‌مشی‌های جمهوری اسلامی ایران

محسن ابن‌الدین حمیدی^۱، علی‌اصغر پورعزت^۲، مجتبی امیری^۳

۳۶

دوره ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۳۶
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲-۱۱-۲۹
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۱۰-۱۳
مصص: ۶۸-۴۷

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی، صنعت گواهی‌دار
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

ارزشیابی مردم‌محور، با مطالعه قضاوت‌ها و ادراک جامعه هدف خط‌مشی، ارزشیابی آنان از خط‌مشی را بازنمایی می‌کند. تحقق مطلوب این ارزشیابی، مستلزم وجود الزاماتی است. لذا پژوهش حاضر به بررسی پیش‌نیازهای مربوط به بایسته‌های ارزشیابی مردم‌محور خط‌مشی‌های جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در این راستا، برای دستیابی به درک جامع‌تر و عمیق‌تر درباره بایسته‌های اجرای ارزشیابی مردم‌محور از طرح یکپارچه رویکرد چندگانه کیفی استفاده شده است. که در آن ابتدا از دو روش گروه کانونی (با ۱۶ نفر خبره) و فراتحلیل پژوهش‌های مرتبط، استفاده شده و سپس، برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است.

نتایج این پژوهش، به سه محور مهم برای تحقق مطلوب ارزشیابی مردم‌محور پرداخته است که عبارتند از:
۱. توسعه دانش ارزشیابی مردم‌محور به مثابه پیش‌شران یک الگوی ارزشیابی، با شاخص‌ها و روش‌های قابل سنجش آن؛

۲. استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود و توسعه قوانین جدید، به منزله زمینه شکل‌گیری ارزشیابی؛

۳. فرهنگ سازی در باره ارزشیابی مردم‌محور، به مثابه اتم‌سفر حاکم بر آن؛ با این ملاحظه که بدون وجود آن دو بایسته قبلی در قالب شکلی خود باقی می‌مانند و در عمل، ارزشیابی عملیاتی نخواهد شد؛ ضمن اینکه پیامد این ارزشیابی می‌تواند موجبات گسترش سرمایه اجتماعی و در پی آن مشروعیت سیاسی حاکمیت بالا را فراهم نماید.

واژگان کلیدی:

ارزشیابی مشارکتی، ارزشیابی مردم‌محور، خط‌مشی، حکمرانی، الگوی اسلامی ایرانی

۱. دانشجوی دکتری خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد گروه خط‌مشی‌گذاری و اداره امور دولتی دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) pourezzat@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه رهبری و سرمایه اجتماعی دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی دانشکده‌گان مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسئله

جامعه به مثابه یک سیستم اجتماعی از خرده سیستم‌های متعددی تشکیل شده است و سیستم حکمرانی با احاطه بر خرده سیستم‌های دیگر اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به منزله غالب‌ترین آن‌ها شناخته می‌شود (پورعزت، ۱۳۹۶: ۱۷). سیستم حکمرانی هوشمند، سیستمی باز است؛ چرا که با کسب اطلاعات از محیط خود (جامعه)، می‌تواند چرخه‌های یادگیرنده را فعال سازد و حکمرانی را به صورت پویا مورد ارزیابی قرار دهد و مابه‌ازای آن را اصلاح کند (اسکات و دیویس ۲۰۱۶) و بهبود بخشند. این موضوع از آن زاویه اهمیت می‌یابد که حکمرانان در جهت تامین منافع مردم، در انواع زمینه‌های نهادی، اعمال قدرت می‌کنند (پورعزت، ۱۳۹۶: ۱۸). به عبارتی، به صورت ذاتی نهاد حکومت در تلاش است تا خواسته‌های مردم را برآورده کند. از آنجا که برآورده کردن نیازها و خواسته‌های مردم، سبب ایجاد مشروعیت سیاسی^۱ (رنجبر، ۱۳۸۲) می‌شود (قلی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۳۸). ثبات دموکراسی هم بر مبنای توسعه اقتصادی، و هم بر مبنای اثربخشی و مشروعیت سیاسی کشور استوار می‌گردد (لیپست و همکاران، ۱۹۵۹).

همچنین با مرور تاریخی نهاد حکومت، همواره نحوه مرادده جامعه و نهاد حکومت، محل تامل اندیشمندان بوده است. این رابطه را می‌توان از دو سر طیف «خادم و مخدوم» (امام خمینی ره، ج ۶: ۴۶۸) با محوریت قدرت و مشروعیت سیاسی و «ارباب و رعیت»^۳ با محوریت قدرت اجبار و قدرت ثروت (گاتلیب، ۱۹۸۴) بین مردم و حکمرانان در نوسان دید. در این تطور تاریخی، با افزایش ارتباطات و سرعت انتقال اطلاعات، بار دیگر قدرت مشروعیت سیاسی افزایش یافته (پرادورمان و همکاران، ۲۰۲۰) و مابه‌ازای آن، توجه به آرای مردم بیشتر از گذشته است. چرا که بقای نهاد حکومت در گرو هویت نهادی و مشروعیت سیاسی آن است که اعطای آن، در دست جامعه است (مییر و روان، ۱۹۷۷).

بازتولید هویت نهادی و مشروعیت سیاسی، پیامد یک فراگرد اجتماعی است (زمانی و ارسیا، ۱۳۹۷)؛ فراگردهای که در آن، جامعه همواره اقدامات حاکمیت را نظاره، ارزیابی و ارزشیابی می‌کند؛ این ارزشیابی، مبنای شکل‌گیری بینش جامعه نسبت به حاکمیت است و بر اساس آن، در عرصه عمومی کنش و رفتار می‌نماید (بیکهام و فرانسیس، ۲۰۲۱).



نمودار ۱- فراگرد بازتولید هویت نهادی

^۱ Legitimacy

^۲ حکومت اسلامی، حکومتی است که برای مردم خدمتگزار است؛ باید خدمتگزار باشد (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۸).

^۳ Feudalism



بر همین منوط شناخت قضاوت‌ها و ارزشیابی مردم، درباره اقدامات حکمرانان، می‌تواند مبنایی برای ارزشیابی خط‌مشی‌های حکومت باشد (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). اهمیت این موضوع، زمانی برجسته‌تر می‌شود که اثر این قضاوت‌ها و ارزش‌گذاری‌های جامعه درباره خط‌مشی‌ها، تصویری از هویت نهادی و مشروعیت سیاسی حاکمیت را می‌سازد (لوی و همکاران، ۲۰۰۹). خط‌مشی‌گذاران نیز باتوجه به اهمیت و تاثیر افکار عمومی بر اداره جامعه، در تلاش هستند از طریق کنترل و جهت‌دهی افکار عمومی، جامعه را اداره می‌کنند.^۱ نمونه بارز این امر بر اساس گفتمان در «دانش قدرت»^۲ (الکساندر و سیدمن، ۲۰۰۸) قابل تبیین است. لذا برای حکومت‌ها ضروری است تا ضمن تکمیل چرخه‌های سیستم ارزشیابی، در امر تعریف هویت نهادی خود توجه و حساسیت داشته باشند.

در همین راستا، شایسته است که ارزشیابی مردم محور با هدف بازنمایی قضاوت‌ها و ارزشیابی‌های شکل گرفته از خط‌مشی در جامعه هدف، به شیوه‌ای سامان‌مند و روش‌مند صورت پذیرد؛ این امر مانند هر امر دیگری، مستلزم تمهید و تأمین الزاماتی است. این پژوهش در پی آن است تا این الزامات یا پیش‌نیازهای ارزشیابی مردم محور را مورد بررسی قرار دهد.

اهداف پژوهش

هدف این پژوهش، تبیین بایسته‌های ارزشیابی مردم محور خط‌مشی‌های جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش، تبیین بایسته‌های تحقق ارزشیابی مردم محور است و پرسش‌های فرعی نیز به بررسی بایسته‌های این ارزشیابی در جامعه و حاکمیت پرداخته است.

پیشینه پژوهش

پیشینه‌ی پژوهش، از آن جهت اهمیت دارد که مبتنی بر سابقه پژوهش‌های صورت گرفته، شکاف پژوهش مشخص و موضوع پژوهش بر آن مبنای، تحدید و تدقیق شود و روش مناسب بر مبنای موضوع تعریف گردد. پژوهش‌های صورت گرفته مرتبط با ارزشیابی مردم محور خط‌مشی در ایران، اغلب پیرامون موضوعاتی از قبیل نظارت همگانی و مشارکت مردم در حکمرانی انجام شده‌اند؛ این مهم در ادبیات جهانی نیز با واژگانی دیگر قابل رصد است که برخی از آنها به شرح ذیل ارائه می‌شوند:

پورعزت در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان ملت را ناظر، مهارکننده و حافظ تعادل قدرت در کشور دانست؟ مطرح می‌کند که موازنه و مراقبه قدرت یکی از بنیادی‌ترین مباحث مطرح در ادبیات حکمرانی است. در سیستم‌های حکمرانی، موازنه و مراقبه قدرت، غالباً از طریق مراوده میان قوای سه‌گانه با محوریت جامعه مدنی که واسط میان حکومت و عامه مردم

۱ شما می‌توانید افکار عمومی را مدیریت کنید. وقتی این کار انجام گرفت، افکار عمومی در اختیار شماست.... [امریکا و خود صهیونیستها] افکار عمومی را طوری تغییر داده‌اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمی انجام نگیرد.... اینها افکار عمومی را همان طور که خودشان می‌خواستند، تصرف و هدایت کردند. / بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان سازمان صداوسیما- ۱۵ بهمن ۱۳۸۱

Power-knowledge



محسوب می‌شود، صورت می‌پذیرد. این پژوهش به مدل «هرم مهار و موازنه قدرت»، مبتنی بر سه مؤلفه حکومت، جامعه‌مدنی و عامه‌مردم مدنظر قرار داده است (پورعزت، ۱۳۹۰).

از منظر اخوان فرد و همکاران، نظارت همگانی در اصلاح امور جامعه نقش محوری و اصلی دارد و مفهوم آن از نظارت اجتماعی نیز گسترده‌تر است. در این خصوص، قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» به منزله پشتوانه قانونی، از رفتارهای سلیقه‌ای جلوگیری می‌کند. اما در کنار آن، باید به امر آموزش این دو گروه اهتمام ورزید تا از حدود خود و شیوه‌های نوین ارزیابی و نظارت آگاه گردند. همچنین باید زمینه‌ای در قالب سمن‌ها برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر ایجاد کرد. به گفته اخوان و همکاران باتوجه به جایگاه ساختاری بسیج، می‌توان از ظرفیت این نیروی مردمی نیز استفاده کرد (اخوان فرد و همکاران، ۱۳۹۴).

رستمی با بررسی شیوه‌های مشارکت مردم در قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، اصل ۵۹ قانون اساسی (همه پرسی) را به منزله مهم‌ترین شیوه قلمداد کرده است. ابزار دیگر، عرف و هنجار است که در اسلام جایگاه قابل قبولی دارد. همچنین نقش نظارت مردم بر دولت در پرتو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، می‌تواند جلوه‌ای خاص به مشارکت مردم بدهد که به علت فقدان زمینه مناسب قانونی، تاکنون به خوبی تحقق نیافته است. با این حال، نهادهای اجتماعی مانند مطبوعات و رسانه‌های گروهی، احزاب و تشکل‌های مردمی، اجتماعات و راهپیمایی‌های مردمی، می‌توانند در این راستا موثر باشند. نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران ظرفیت و قابلیت‌های لازم برای تحقق مشارکت مردم را برخوردار است. اگرچه زمینه اجرایی آن تاکنون فراهم نشده است. (رستمی، ۱۳۸۷)

به باور پورعزت، اساساً امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه مردم حکومت، ماهیت دو سویه داشته، آنچه موجب بقا و اعتبار بخشی و مشروعیت حکومت می‌شود، امر حکومت از سوی مردم و نهی حکومت از جانب ایشان است. (پورعزت و مقدم شاد، ۱۳۹۸؛ پورعزت، ۱۴۰۳)

جاوید، راهکارهای تحقق مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی را ذیل دو دسته‌ی کلی تعریف کرده است: یا حکومت اسلامی زمینه‌های مشارکت را برای مردم طراحی می‌کند و یا مردم، از ابتدا به وسیله‌ی خودشان در آن عرصه‌ها مشارکت می‌کنند.

مشارکت مردمی عبارت است از: ۱- مشارکت تکمیلی: راه‌حل و شیوه‌های که مردم، فعالیت‌های حکومت اسلامی را تکمیل می‌کنند. ۲- مشارکت اصلاحی: حضور اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مردم و سهم شدن آنان در اصلاح و از بین بردن مشکلات و ایرادات موجود در امور حکومتی. ۳- مشارکت ابتدایی: طراحی و تأسیس نهادهایی به منظور مسئولیت‌پذیری و سهم‌سازی مردم در امر اداره حکومت (جاوید و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۲).

فولادی یکی از اصول اولیه مشارکت سیاسی را مشارکت، نقد، انتقاد و اعتراض، با هدف اصلاح، در چارچوب قانون و موازین نظام سیاسی، می‌داند. نقد باید در راستای تأمین منافع عمومی و مصالح اجتماعی باشد، نه ساخت شکنی و تخریب



و زیر سوال بردن نظام سیاسی. مشارکت سیاسی در دو معنای مثبت به مثابه تایید نظام سیاسی و مشارکت منفی (کمرنگ)، با هدف اصلاح و وادار ساختن نظام به اصلاح روش‌های معمول خود صورت می‌گیرد. از این رو مشارکت کم‌رنگ و کناره‌گیری مردم در نتیجه سه عامل رخ می‌دهد: ۱- فقدان انگیزش برای شرکت در زندگی سیاسی؛ ۲- فقدان امکانات لازم مثل اطلاعات، ارتباطات، سازمان و تشکل؛ و ۳- فقدان فرصت عمل از نظر سیاسی به علت بسته بودن ساخت قدرت (فولادی، ۱۳۹۴).

پلوتو و پلوتو در مقاله «رویکردهای ارزشیابی مشارکتی، در پاسخ به مزایای مشارکت و بررسی شرایط لازم برای حصول مشارکت در ارزیابی اهداف چیست؟» برآند که مشارکت ذینفعان، در ارزیابی پروژه‌های عمومی، جامعه را درگیر می‌کند و برای آن منافی دارد. لازمه این مشارکت، دسترسی به فراگردهای تصمیم‌گیری عمومی و وجود مراکز بحث و گفتگوی شهروندان است. در این راستا، اطلاع رسانی، ایجاد انگیزه و آموزش ذینفعان، به شرکت‌کنندگان این امکان را می‌دهد که یک دید مشترک ایجاد کنند (پولوتو و همکاران، ۲۰۰۹).

نکته مهم این است که امر حکومت به معروف و نهی حکومت از منکر، وظیفه‌ای مهم بر عهده عامه مردم است. (پورعزت، ۱۳۹۰)

مبانی نظری

افراد یا سازمان‌ها، در طول حیات خود با مسایل متفاوتی مواجه می‌شوند و در مورد درستی آن فکر می‌کنند. این فکر کردن‌ها یا آگاهانه است یا ضمنی و شهودی؛ زیرا ما طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را ارزشیابی می‌کنیم. از جمله کارهایی انجام می‌دهیم که ممکن است قبلاً آن را به عنوان «ارزشیابی» در نظر نگرفته باشیم. چرا که انسان‌ها همواره در پی سبک سنگین کردن امور روزمره خود، جهت اخذ تصمیم درست و به صرفه‌اند؛ به زبان ساده، همین امر ناظر بر نوعی ارزشیابی است. به همین دلیل، هنگامی که در مورد ارزشیابی صحبت می‌شود، از تعابیر دیگری چون مرور^۱ ارزشیابی، تحلیل آثار^۲، استفسار قدرشناسانه^۳ و ارزیابی هزینه-فایده^۴ استفاده می‌شود. لذا انسان‌ها مبتنی بر تجربه‌های زیسته خود، همواره از منافع ارزشیابی‌ها منتفع می‌شوند و از آنچه قبلاً گذشته است، یاد می‌گیرند و براساس آن، آینده را می‌سازند. به همین قاعده، همه خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها، در معرض ارزشیابی هستند.

• تعریف ارزشیابی خط‌مشی

معمولاً نهاد حکومت برای برآورده کردن نیازهای جامعه، مجموعه تلاش‌هایی را به‌عنوان خط‌مشی‌گذار انجام می‌دهد. اما باید توجه کرد که حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری، صرفاً اتخاذ تصمیم نیست، بلکه فراگردی است که از زمان احساس مشکل

Evaluation
Review
Assessment
Impact analysis
Appreciative inquiry
Cost-benefit assessment



شروع می‌شود و به ارزشیابی نتایج حاصل از اجرای خط‌مشی عمومی، ختم می‌گردد (الوانی و شریف زاده ۱۳۸۵: ۲). از آنجا که نوعاً بین اهدافی که ما به ازای آن، خط‌مشی تدوین شده است و نتایج یا پیامدهایی که در عمل به دست می‌آید، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. لذا هنگامی که یک فراگرد خط‌مشی‌گذاری آغاز می‌شود، هیچ‌کس نمی‌داند که چه چیزی، چه زمانی و چگونه اجرا می‌شود و در نهایت چه خط‌وطی، اجرا خواهد شد (هنبرگر، ۲۰۰۱).

اگر یافته‌های این پرسش، با پیش‌فرض‌های در نظر گرفته شده برای خط‌مشی تطابق نداشته باشند، ناگزیر پرسش‌های بعدی شکل می‌گیرند که «علل شکست در کجاست؟» لذا ارزشیابی در همه مراحل خط‌مشی، ظهور و بروز می‌یابد (واعظی و همکاران، ۱۳۹۴) تا مشخص نماید که «آیا مشکل به درستی تعریف شده است» یا «راهکار مناسبی برای پاسخگویی به مسئله تدوین شده است؟» یا احتمالاً، «تدوینی مناسب را اجرایی ضعیف، به محاق برده است!» باز کردن و هویدا کردن این جعبه سیاه، می‌تواند علل موفقیت یا شکست خط‌مشی را تبیین کند.

به‌طور کلی، ارزشیابی، یک بررسی سامان‌مند از ارزش یا شایستگی یک موضوع یا چیز یا عمل است (استافل بیم و کورین، ۲۰۱۴: ۱۱۱). از نظر عملیاتی، ارزشیابی فراگرد ترسیم، به دست آوردن، گزارش و به‌کارگیری اطلاعات توصیفی و قضاوتی، در باره ارزش یک موضوع است که با معیارهایی مانند کیفیت، ارزش، صحت، عدالت، امکان‌سنجی، هزینه، کارایی، ایمنی و اهمیت تعریف می‌شود (استافل بیم و کورین، ۲۰۱۴: ۳۱۲).

• تعریف ارزشیابی مردم‌محور

خط‌مشی‌ها در پی حل مشکل عمومی هستند. اما آنچه از یک خط‌مشی، برای مردم قابل ارزشیابی است، برآیند آن است؛ که شامل آثار ملموس و آثار نمادین می‌شود. مراد از آثار نمادین، ادراک افراد از اقدام‌های نهاد حکومت و نوع نگرش آن‌ها به این اقدامات است. در عمل اعضای زیر سیستم‌های خط‌مشی و سایر افراد ذی‌نفع، نحوه اجرا و آثار خط‌مشی را ارزشیابی می‌کنند تا بتوانند در صورت لزوم از آن حمایت کنند یا به مخالفت برخیزند یا خواستار تغییر آن شوند (دای، ۲۰۱۳)؛ از این رو، ذینفعان حقیقی (مردم)، می‌توانند بهترین ارزشیابان عملکرد (پورعزت، ۱۳۹۴: ۳۵) خط‌مشی باشند.

چراکه غالباً، مهم‌ترین ارزشیابی از خط‌مشی عمومی، خارج از سازمان‌ها، به وسیله مطبوعات، رسانه‌های گروهی، افراد، پژوهشگران و گروه‌های غیردولتی انجام می‌پذیرد. همچنین آشکار است گروه‌های ذی‌نفع، بر فراگرد نفوذ بر خط‌مشی و جهت‌گیری‌های آن، نقشی اساسی دارند. (الوانی و شریف زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۷). در این رویکرد، ذینفعان به‌منزله صاحبان اصلی خط‌مشی، و اجرای خط‌مشی و به‌ویژه مجریان آن را مورد ارزشیابی قرار می‌دهند. در این صورت مشارکت ذینفعان در ارزشیابی پروژه‌های عمومی، جامعه را درگیر می‌کند و منافع به‌ارمغان می‌آورد (پلوتو و همکاران، ۲۰۰۹). این نوع از ارزشیابی، ممکن است بینش‌هایی را برای توضیح اصول، توسعه راهبرد و ابزارهای مناسب اجرای آن اصول، ارائه دهد (میکویتس و کیویما، ۲۰۰۷: b).



گرین توجه را به این نکته جلب می‌کند که فراگرد ارزشیابی با نهادها و ساختارهای اجتماعی و اخلاقی و سیاسی جامعه بزرگ‌تر پیوند می‌خورند (پورعزت، ۱۳۹۶: ۲۱۱). در عمل، هر فرهنگ ارزشیابی در هر کشور معین، به‌طور گسترده با محدودیت‌های ایدئولوژیکی رایج و روابط بین گروه‌های گوناگون ذی‌نفع مواجه می‌شود (مک نامارا و همکاران، ۲۰۰۹). در ورای مظاهر جهل‌گرایانه رویکردهای ایدئولوژیکی^۱، ادیان توحیدی توجه ویژه‌ای به امر به معروف و نهی از منکر دارند. در این امتداد، در جهان‌بینی توحیدی همه مردم موظفند در برابر سرنوشت خود حساس باشند. در جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۸ به تایید مردم رسید، دین مبین اسلام به منزله مبنای حکمرانی قرار گرفته است. لذا فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به‌مثابه امری اجتماعی، در منزلت یکی از فروع دین اسلام مدنظر بوده، در شمار باورها و فرهنگ مردم ایران به شمار می‌آید؛ شایان ذکر است در اصل ۸ قانون اساسی نیز به این مهم تصریح گردیده است.

ارزشیابی مردم‌محور، با تمرکز بر ادراکات عمومی و نتایج ملموس، نقش کلیدی در سنجش اثربخشی خط‌مشی‌ها دارد. از آنجا که مردم ذینفعان اصلی هستند، حکومت باید سازوکارهایی برای مشارکت فعال آنان در ارزیابی فراهم کند. این رویکرد، با تأکید بر اصولی مانند امر به معروف و نهی از منکر در نظام اسلامی، نه تنها حق شهروندان، بلکه تکلیفی دینی و اجتماعی است. بنابراین، پرسش از نقش حکومت در تحقق ارزشیابی مردم‌محور و تبیین سازوکارهای مطلوب آن، گامی اساسی در راستای پاسخگویی، شفافیت و بهبود مستمر خط‌مشی‌گذاری عمومی است.

روش پژوهش

در این پژوهش، برای دستیابی به درک جامع‌تر و عمیق‌تر درباره بایسته‌های اجرای ارزشیابی مردم‌محور، با استفاده از طرح یکپارچه رویکرد چندگانه کیفی^۲، روش‌های گوناگون کیفی، به‌صورت هماهنگ و درهم‌تنیده به‌کار گرفته شدند. در این طرح، داده‌های جمع‌آوری‌شده از یک روش، مستقیماً بر جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در روش‌های دیگر تأثیر گذاشته و نتایج به‌دست‌آمده از همه روش‌ها، به‌صورت یکپارچه تحلیل و تفسیر می‌شوند (بیر و جانسون، ۲۰۱۵).

در این طرح، برای جمع‌آوری اطلاعات خبرگان از گروه کانونی^۳ و همچنین در مسیر جمع‌آوری اطلاعات اسنادی، پژوهش‌های مرتبط در این زمینه مورد استفاده قرار گرفتند. در همین راستا، برای گروه کانونی از ۱۶ نفر از استادان و صاحب‌نظران خبره در حوزه مدیریت دولتی و علوم سیاسی، با ارسال پرسش‌ها به صورت پیشینی، دعوت به عمل آمد. مجموع افراد شرکت‌کننده در سه جلسه گروه کانونی تشکیل شده حضور داشتند. مباحث گروه کانونی، عمدتاً به صورت

ideological approaches
worldview

۳ کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها، باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر، بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

Integrated Design Multiple Qualitative Methods
Focus Group

همگرا و در تکمیل و ارتقاء پیاده‌سازی مدل بایسته‌ها و الزامات ارزشیابی مردم‌محور بود و در مواردی نیز به صورت واگرا، مباحثی ذکر شده است.

جدول ۱ - ویژگی‌های افراد شرکت‌کننده در گروه کانونی

نمونه هدف	ویژگی نمونه هدف	تعداد
خبره دانشگاهی	با مرتبه استادی یا دانشیاری از دانشگاه‌های رتبه الف کشور	۹ نفر
خبره خط‌مشی پژوه	سابقه بیش از ۵ سال پژوهش در مراکز پژوهشی حاکمیتی	۷ نفر

در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات، داده‌های گروه کانونی با روش تحلیل مضمون^۱ بررسی شدند. روش تحلیل مضمون بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی موجود در داده‌های کیفی تمرکز داشته، مضامین از طریق پرسش‌های پژوهش و کشف داده‌های ارزشمندی متناسب با مسئله پژوهش جمع‌آوری شدند. ساختار انتزاعی شبکه مضامین، بر سه مرحله استوار بود: ۱. مضامین کلان (با بیش‌ترین سطح انتزاع)؛ ۲. مضامین سازمان‌دهنده؛ و ۳. مضامین پایه (کم‌ترین سطح انتزاع و نزدیک به متن اصلی). روش‌های متنوعی برای شناخت مضامین وجود دارد؛ مانند توجه به کلمات در متن، موشکافی و دقت در متن، توجه به ویژگی‌های زبان‌شناختی متن، و دستکاری و جابجایی فیزیکی متن (براون و کلارک، ۲۰۲۱).

جدول ۲ - برخی از یافته‌های مصاحبه با خبرگان

مضمون کلان	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
ارزشیابی توسعه دانش	فهم چپستی ارزشیابی مردم	نیاز به شناخت نظام‌مند قضاوت‌های مردم
	فهم چگونگی ارزشیابی مردم	بررسی عوامل شکل‌دهنده به قضاوت مردم، مانند شاخص‌های جهانی حکمرانی.
	شاخص عمومی	اهداف شامل آزادی، رفاه، امنیت، عدالت و تربیت است.
	طراحی شاخص‌های ترکیبی	توسعه شاخص‌های بومی برای سنجش عملکرد حکومت بر اساس ارزش‌های اسلامی و ملی.
فرهنگ ارزشیابی	نقش ذینفعان	مشارکت ذینفعان نزدیک در فرآیند ارزشیابی برای افزایش دقت و مشروعیت.
	مشارکت مردم در حکمرانی	عدم مشارکت مردم منجر به بی‌تفاوتی و کاهش مشروعیت نظام می‌شود.
	نقش نخبگان و نهادهای مدنی	نخبگان به عنوان واسطه بین مردم و حاکمیت، نقش کلیدی در ارزشیابی دارند.



عدم بلوغ استفاده از اطلاعات	حتی نخبگان و دانشگاهیان از داده‌های موجود به درستی استفاده نمی‌کنند.
شفافیت و پاسخ‌گویی	انتشار اطلاعات و پاسخ‌گویی دولت به افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند.
اغتشاش داده‌ها	انتشار اطلاعات نادرست توسط مراجع رسمی، قضاوت مردم را مخدوش می‌کند.

برای تحلیل پژوهش‌های پیشین از روش فراتحلیل کیفی^۱ استفاده شد. در این روش پژوهشگر پس از انتخاب مطالعات مناسب و مرتبط، داده‌های کلیدی و رهنما را از هر مطالعه، استخراج نمود.

جدول ۳ - برخی از یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با موضوع

نویسنده	سال	عنوان پژوهش	اهم یافته‌های مرتبط با هدف پژوهش
فولادی، محمد	۱۳۹۴	مشارکت سیاسی؛ جلوه‌ها و آثار	پذیرش نقد سیاسی، فقدان انگیزه برای مشارکت سیاسی، فقدان اطلاعات و ارتباطات، فقدان سازمان، فقدان فرصت عمل سیاسی
پورعزت، علی اصغر	۱۳۹۰	بررسی جایگاه عامه مردم در سیستم مهار و موازنه قدرت	رسایی صدای عامه، شفافیت و پاسخگویی، ارتقا سطح بلوغ عامه، افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت احزاب و سمن‌ها، رعایت اخلاق حرفه‌ای در رسانه
اخوان‌فرد، مسعود اصغری جبرهنده، ابوطالب	۱۳۹۴	بررسی چالش‌های حقوقی و نهادی نظارت همگانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران	قانون آمران به معروف، آموزش شیوه‌های نوین، تقویت سمن‌ها، تقویت بسیج
رستمی، ولی	۱۳۷۸	مشارکت مردم در قانون گذاری جمهوری اسلامی ایران	احیا اصل ۵۹، فقدان بستر قانونی امر به معروف، مطبوعات و رسانه‌ها، احزاب و تشکل مردمی
جاوید، محمد جواد	۱۳۹۲	راهکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی	طراحی و تاسیس نهادهایی برای سهمین شدن مردم



			فتاحی زفرقندی، علی
اطلاع‌رسانی اقدامات حکومت، ایجاد انگیزه در مردم، آموزش ذینفعان	Approaches to Participation in Evaluation	۲۰۰۹	PLOTTU, BÉATRICE. PLOTTU, ERIC

از نکات قابل توجه، همگنی نتایج گروه کانونی و فراتحلیل است. در این پژوهش، پژوهشگر با استفاده از تکنیک بررسی همکارانه و اشباع نظری، تلاش کرد تا کیفیت داده‌ها را افزایش دهد و نتایج پژوهش را معتبرتر سازد. برای بررسی قابلیت اعتبار پژوهش، پژوهشگر اطلاعات حاصل از پژوهش را به وسیله مشارکت‌کنندگان بررسی نمود. در این روش، پژوهشگران دیگر، مشاهدات ملموس به‌دست آمده از پژوهش را مثبت ارزیابی نمودند و نتایج آن با نتایج پژوهش، هماهنگ ارزیابی کردند (اکبری، ۱۳۹۸). بر این اساس، مراحل تحلیل این پژوهش به شناسایی سه مضمون کلان ختم شد: ۱. توسعه دانش ارزشیابی؛ ۲. استفاده از ظرفیت قانون؛ و ۳. فرهنگ‌سازی. بدین ترتیب، پژوهشگر تلاش کرد تا بایسته‌های ارزشیابی مردم‌محور را تبیین نماید.

یافته‌های پژوهش

امروزه اهمیت همراهی مردم به منزله یکی از عوامل موفقیت در تدوین یا اجرای یک خط‌مشی، امری غیرقابل انکار است. این امر، به‌ویژه در مورد اقدامات اولویت‌دار، ضرورت ارزشیابی سامان‌مند را دوچندان می‌نماید. اقدامات اولویت‌دار، آن دسته از اقدامات اجتماعی اند که بدون تجربه قبلی و برای اولین بار، به اجرا گذاشته شده است. همچنین اقداماتی که اطلاعات ارزشیابی در مورد آنها، شواهد راهبردی بسیار مفیدی برای طراحی خط‌مشی در آینده به خط‌مشی‌گذار ارائه می‌دهند؛ ضمن اینکه می‌توان به اقدامات دارای هزینه بالا و عدم اطمینان یا مخاطره اشاره کرد که ممکن است می‌تواند پیامدهای منفی ناخواسته‌ای را به همراه داشته باشند؛ این ملاحظات، اهمیت پژوهش‌های ارزشیابی و درس‌آموزی را برای خط‌مشی‌گذار، چند برابر جلوه می‌دهند.

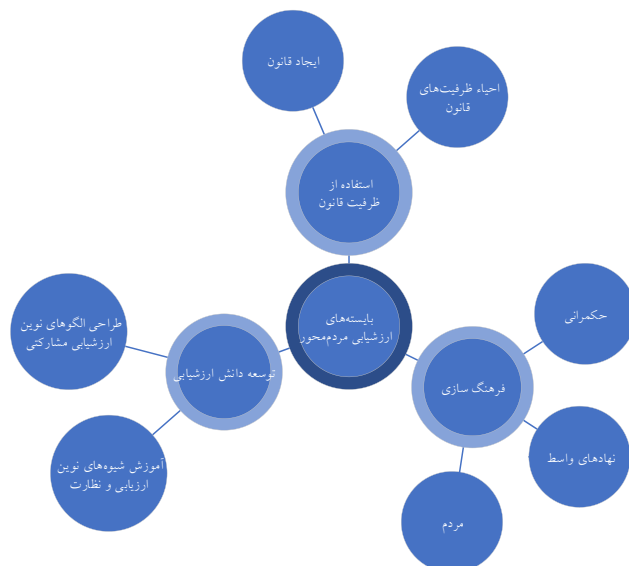
بایسته‌های ارزشیابی مردم‌محور خط‌مشی‌ها

بایسته‌های ارزشیابی، تلاش دارند تا پیش‌شرط‌های امکان‌پذیر شدن ارزشیابی مردم‌محور را به مثابه گام‌های عملیاتی در تحقق حکمرانی مشارکتی و غنی‌سازی میدان پژوهش ارزشیابی، تصریح نمایند. به طور کلی، برای تحقق یک سامانه ارزشیابی باید در چهار حوزه اقدامات (یک) توسعه دانش به مثابه سنگ بنای توسعه یک مولود جدید، پیش‌نیازی ضروری است که زمینه توسعه الگوهای جدید ارزشیابی را جهت پیاده‌سازی روش‌مند آن فراهم می‌نماید. (دو) با توجه به اینکه در حکومت، قانون مرجع همه افعال حاکمیت است، باید زمینه تحقق الگوی ارزشیابی از مجرای آن، فراهم شود؛ بنابراین باید



از ظرفیت‌های قانونی موجود استفاده شود و در زمینه‌هایی که خلا یا نارسایی قانونی وجود دارد، قانون جدیدی وضع گردد یا قوانین موجود، توسعه یابند. سه) اگر قانون را به مثابه جسم حکومت در نظر بگیریم، می‌توان ادعا کرد که فرهنگ به مثابه روح آن است. نکته این است که نمی‌توان الگوی ارزشیابی را بدون فرهنگ ارزشیابی جاری کرد. این فرهنگ می‌بایست در دو عرصه حکمرانی و مردم ترویج داده شود. شایان ذکر است نهادهای واسط به منزله بازیگران فعال عرصه عمومی، نباید از تمرکز و توجه خارج شوند، لذا تقویت آنان از طریق توسعه قانون‌های حمایت‌کننده، ترویج دانش و ایجاد فرهنگ ارزشیابی مردم‌محور در دستور کار قرار بگیرد.

شکل ۱- شبکه مضامین بایسته‌های ارزشیابی مردم‌محور



توسعه دانش ارزشیابی

مقدمه تحقق هر امر نو پدید، توسعه دانش در ساحت نظری، عملی و ترویجی است. دانش ارزشیابی نیز به منزله یک پدیده علمی، در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است. ارزشیابی خط‌مشی نیز با نیازهای جدید، وفق یافته و به تناسب تقاضا و خلاءهای کارکردی مدل‌های گذشته، توسعه یافته و چهار نسل را سپری کرده است. در نسل چهارم ارزشیابی، تاکید بر این است که همه صداها باید در پژوهش‌های ارزشیابی شنیده شوند. ارزشیابی مشارکتی یکی از مهمترین رویکردهای این نسل است.

طراحی الگوهای نوین ارزشیابی مشارکتی

در ارزشیابی مشارکتی، پژوهشگران، تسهیل‌گران یا ارزیاب‌های حرفه‌ای، هنگام انجام یک ارزشیابی از مشارکت فعال ذینفعان اصلی، از جمله گروه‌های کمتر سازمان‌یافته نهادهای مورد ارزشیابی، استفاده می‌کنند. در این رویکردها، بر ساخت‌گرایی



اجتماعی در ایجاد اطلاعات و دانش همراه با مرادده ارزشیاب و سایر ذینفعان تاکید می‌گردد؛ از این رو ارزشیابی مشارکتی از نظر روش‌شناختی انعطاف‌پذیر و کثرت‌گرایانه است. در واقع، ارزیاب مشارکتی از طیف وسیعی از روش‌های ارزشیابی موجود استفاده می‌کند که روش‌های پژوهش کیفی، نقش محوری (اما نه منحصر به فرد) در آن ایفا می‌کنند. در برخی از مدل‌های این رویکرد، حتی تصمیم‌های مربوط به انتخاب روش‌ها نیز (به جای موضع‌گیری روش‌شناختی و فلسفی از قبل)، با همکاری مشارکت‌کنندگان، برحسب آنچه بافت برنامه و جامعه اقتضا می‌کند، گرفته می‌شود. لذا شایسته است متناسب با بوم جامعه ایرانی-اسلامی، الگوی ارزشیابی مردم‌محور در جمهوری اسلامی ایران توسعه یابد. شایان ذکر است الگوهای مشابهی در جوامع دموکراتیک برای مشارکت مردم در امر ارزشیابی طراحی شده است همچنین در اسلام نیز ذیل مفهوم امر به معروف و نهی از منکر (حاکمان) نیز به این امر توجه شده است اما در جمهوری اسلامی ایران که وجوه جمهوریت و اسلامیت را با یکدیگر جمع کرده اینچنین الگوی ارزشیابی که مبتنی بر آرای مردم شکل گرفته باشد توسعه نیافته است که مجال دیگری برای تبیین نیاز دارد.

• طراحی شاخص و ابزارهای کنترل

ارزشیابی دارای الزاماتی است که یکی از آنها، داشتن شاخص و سنجه است. بدون شاخص‌ها، آن نمی‌توان برای چیزی ارزشی قائل شد. طراحی این شاخص‌ها از مهم‌ترین بخش‌های ارزشیابی است که حتی آن را می‌توان با ترکیبی از الگوهای جهانی نیز مورد بررسی قرار داد. البته نباید به شاخص‌ها و سنجه‌های صندوق جهانی یا سازمان‌های بین‌المللی اکتفا کرد؛ بلکه می‌بایست بر اساس زیست بوم جمهوری اسلامی، با بهره‌گیری از دانش موجود در شاخص‌های بین‌المللی، و تمرکز بر اندیشه ایرانی و مبانی فرهنگ اسلامی، شاخص‌های ترکیبی^۱ و سنجه‌های بومی طراحی گردد.

در سنت دموکراسی یا نظام سیاسی هر کشور، برای تعیین شاخص‌ها و سنجه‌ها، دلالت‌هایی مدنظر قرار می‌گیرند؛ یکی از منابع تعیین شاخص‌ها، اهداف و وظایف حکومت است. به عنوان نمونه مردمسالاری دینی با لیبرال دموکراسی در مبانی، اهداف و کارکردها تفاوت‌های بنیادین دارد. در مردمسالاری دینی، مشروعیت حکومت نه تنها از رأی مردم، بلکه از انطباق با موازین شرعی نشئت می‌گیرد و قوانین بر اساس منابع دینی تعیین می‌شوند. در حالی که لیبرال دموکراسی بر حاکمیت مطلق خواست مردم و حقوق فردی تأکید دارد، مردمسالاری دینی فردگرایی را در چارچوب مصالح جمعی و ارزش‌های الهی محدود می‌کند. همچنین، دین در این نظام نقش محوری دارد و سیاست‌گذاری‌ها باید در راستای احکام اسلام باشد. این مدل حکومتی، در پی تحقق عدالت و سعادت دنیوی و اخروی است، برخلاف لیبرال دموکراسی که عمدتاً بر رفاه مادی و آزادی‌های سکولار متمرکز است (عیوضی، ۱۳۸۸). لذا طراحی شاخص‌ها و سنجه‌ها متأثر از این بوم فرهنگی و سیاسی هر کشور است.



در این خصوص از دیگر ابزارهای سنجش و کنترل که در برخی از کشورها، با هدف کنترل بوروکراسی و روش‌های انتقال سریع اتفاقات اجتماعی به کار گرفته شده‌اند، زنگ‌هشدار^۲ و دماسنج اجتماعی^۳ است. تجربه موفق کاربست این ابزارهای خط‌مشی، رضایت‌مندی نسبی خط‌مشی‌گذاران را به همراه داشته است. برای مثال، مردم هر منطقه می‌توانند درباره نحوه تخصیص منابع به احداث امکانات رفاهی در منطقه خود، رضایت‌شان را ابراز کنند؛ یا تحلیل‌گران می‌توانند میزان همراهی مردم را با یک خط‌مشی، از پیش برآورد نمایند.

• توسعه روش‌های جمع‌آوری داده

مبنای عمل الگوهای ارزشیابی، داده‌های متناسب با شاخص‌ها است که متناسب با نوع الگو، می‌تواند کیفی یا کمی باشد. بر این اساس، مسئله مهم برای تحقق الگوی ارزشیابی مردم محور، دستیابی به داده‌های حاوی آرا و نظرهای متنوع مردم است؛ آرای حاصل از مصاحبه، پیمایش سفارشی، کلان داده پیمایش، داده‌های شبکه‌های مجازی و داده‌های حاصل از سیستم پشتیبان حکمرانی است.

در دهه‌های گذشته، ضرورت اجرای پیمایش‌ها، به منزله جلوه‌ای از مشارکت و تاثیرگذاری مردم در خط‌مشی‌گذاری، صرفاً در دوره‌های انتخاباتی به اوج خود می‌رسید. اما در دهه اخیر (۲۰۲۴-۲۰۱۵)، شاهد رشد قابل توجهی در میزان پژوهش درباره موضوعات افکارسنجی بوده‌ایم. بر این اساس، ضرورت وجود موسسه‌ها و پژوهشگاه‌های مرتبط با حیطه افکار عمومی نمایان‌تر می‌شود.

• نگاشت ذی‌نفعان خط‌مشی

ارزشیابی، دارای اهداف دوگانه‌ی پاسخ‌گویی و یادگیری است. در بخش پاسخ‌گویی، مردمی هستند که مشتاق‌اند از نحوه مخارج مالیات‌ها و اقدامات دولت آگاه شوند. همچنین مسئولین و تصمیم‌گیران دولتی و دانشگاهیان نیز می‌خواهند از نتایج خط‌مشی معین و آثار آن بر جامعه هدف، به اطلاعات کاربردی و ارزشمند دست‌یابند. در هر اقدام در نظام سیاسی، جامعه، گروه یا صنف خاصی را مد نظر قرار می‌دهد که باید عملکرد از نگاه آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. لذا شناسایی ذی‌نفعان یک مداخله و شناخت آرای آنان از اولین گام‌های عملیاتی ارزشیابی خط‌مشی برای دستیابی به اهداف آن است. شناخت ذی‌نفعان نزدیک، شامل مجموعه دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با خط‌مشی‌گذاری، به منزله مراتبی از تمایل به درک افکار عمومی و مقدمه درگیر کردن مردم در امر حکمرانی است. برای مشارکت ذی‌نفعان در فراگرد اقدام، در وهله نخست باید همه ذی‌نفعان از جمله دستگاه‌ها و ارگان‌های ذینفع، به منزله همراهان مهم کلیدی در اجرای موفق اقدام، مدنظر قرار گیرند. اگر حکمران، به سازمان‌های داخل سیستم حکمرانی و ذی‌نفعان دیگر (از جمله دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط) توجه نکند، ادعا درباره درگیر کردن مردم جامعه، ادعایی دور از واقعیت خواهد بود. مهم‌ترین ذی‌نفعان عبارتند از:

Fire alarm

۲ موريس هالبوواکس (۱۹۴۵-۱۸۷۷) فیلسوف اجتماعی فرانسوی، دانش‌واژه «دما سنج اجتماعی» یا «social temperature» را برای توضیح وضعیت گروهی از افراد در حال خودکشی به کار برد.



الف) عامه مردم - یکی از گروه‌هایی که در بحث ذی‌نفعان ارزشیابی مردم‌محور مطرح است، مردم یا به عبارتی صدای عامه است. در بحث حقوق مردم و حاکمان، از عمده حقوقی که مردم به گردن حاکمان دارند، حق شنیده شدن است. بدین معنا که مردم حق دارند آرا و دیدگاه‌های خود را در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطرح کنند و پاسخ درخوری را طلب نمایند. طبق نظر کرفت و فورلانگ^۱ آرای عامه مردم یکی از نیروهای تاثیرگذار بر فراگرد خط‌مشی عمومی است.

عامه مردم، در سه عرصه سیاست، فرهنگ و اقتصاد، نقشی حساس و تعیین کننده دارند. عامه مردم را می‌توان به دو گروه توده مردم و گروه‌های اجتماعی تقسیم کرد که گروه اول یا جماعت، گروه‌های بی‌سازمانی اند که در نتیجه مجاورت مکانی بین عده‌ای، با محرک مشابهی شکل می‌گیرند. گروه اجتماعی در مقابل توده مردم، به مجموعه‌ای از افراد اطلاق می‌شود که روابط قوی و نسبتاً پایداری با هم داشته، با هدف مشترک، به کنش‌گری در اجتماع می‌پردازند. این مردم، با وجود ارزش‌ها و اعتقادات مشترک، در قالب نقش‌ها و پایگاه‌های پیوسته، می‌توانند مجزا از یکدیگر هم فعالیت کنند. این هر دو گونه، در کنار هم مفهوم ملت را به وجود می‌آورند و آحاد جامعه را دربر می‌گیرند. دولت برآمده از ملت، ملزم به احقاق حقوق مردم در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. صدای عامه، به دلیل برخوردارگی از چهار ویژگی «مرادهمی بودن» تفکرات و بازتاب دیدگاه‌های گوناگون جامعه، «جامعیت» افراد سهیم در آن، «عمومیت» داشتن برای همه شهروندان و «تکاملی بودن» هویت سیاسی، ظرفیتی کامل و جامع از دیدگاه‌ها و قضاوت‌ها را ایجاد می‌کند و می‌تواند منبعی برای ارزشیابی حکمرانی تلقی گردد. بنابراین، حرکت به سمت بلوغ عامه و تقویت سرمایه اجتماعی که از آگاهی دادن به مردم و اعتماد مردم به حاکمان نشأت می‌گیرد، بر کیفیت ارزشیابی مبتنی بر رای مردم تاثیر به‌سزایی دارد.

ب) بدنه حاکمیت - بخشی از مردم، همان بدنه سیستم حکمرانی یا کارمندان دولت اند؛ که از هم‌نشینی و قرابت این بخش از جامعه در بین عامه جامعه، بسیاری از قضاوت‌ها و ارزشیابی‌ها درباره اقدام حکومت را تولید و بازتولید می‌کند و در واقع برساختی که از دیدگاه‌های کارمندان سیستم حکمرانی در جامعه ساخته می‌شود، از ضریب نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌شود. حاصل این برساخت، اشاعه قضاوت در بین مردم است. بنابراین اگر بدنه سیستم حکمرانی در مورد خط‌مشی‌ها و اقدام‌ها، توجیه نشوند، چه بسا نگرش منفی آنان به صورت تسلسلی در جامعه تکثیر گردد.

آموزش شیوه‌های نوین ارزیابی و نظارت

آموزش علم، جزء حیاتی رشد فکری و رشد ارزش‌های اجتماعی بوده، منجر به توسعه علمی و بهبود شرایط زندگی شهروندان می‌گردد؛ به عبارت دیگر آموزش و توسعه دانش، به حکومت‌ها در جهت پیشرفت جوامع کمک می‌کند. مشارکت ذینفعان در ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی، جامعه را درگیر کرده، منفعی به ارمغان می‌آورد. این امر در مفهوم ویژه‌ای از حکمرانی بر کنش عمومی نهفته، و نیازمند توسعه شرایط نهادی است؛ به طوری که زمینه مساعد را برای مشارکت عامه،



فراهم سازد. با این حال، پیاده‌سازی مشارکت در ارزشیابی، آسان نبوده، برای تحقق آن، باید مراحل و فعالیت‌هایی اعم از اطلاع‌رسانی، ایجاد انگیزه و آموزش ذی‌نفعان، باید طراحی و اجرا گردد. با توجه به اینکه آموزش علوم و فناوری، به منزله یکی از مهمترین راه‌های پیشرفت جوامع شناخته شده است، باید در پی روش‌های نوینی برای آموزش علوم بود که علاوه بر آموزش علوم در کلاس درس، در پی تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی باشد.

استفاده از ظرفیت قانون

در جمهوری اسلامی ایران که مبنای مردم‌سالاری دینی دارد، مردم قادرند تا در نقشی محوری، عملکرد نهادهای حکومتی مثل مجلس شورای اسلامی را مورد ارزشیابی قرار دهند. در متن قانون اساسی، بارها به مردم‌محور بودن کشور اشاره شده است. برای مثال حکمرانی ما بر استقلال همه جانبه مردم‌محور، اقتصاد مردم‌محور، خودکفایی همه جانبه مردم‌محور، امنیت مردم‌محور و غیره تاکید داشته^۱. ویژگی مردم‌محور بودن در قانون اساسی ایران، ابعاد عمیقی دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعددی به مردم جهت ایفای نقش در ارزیابی و ارزشیابی عملکرد دولت‌ها و مسئولین اشاره شده است.

• احیاء ظرفیت‌های قانونی

اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد که یکی از مهمترین اصول مرتبط با مردم‌سالاری دینی است. بر اساس این اصل، همه مردم موظفند یکدیگر و به ویژه حکومت را به معروف (شرع و قانون) امر کرده، از منکر (معصیت و عمل غیرقانونی) بازدارند. بنابراین، این وظیفه همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت و حکومت به یکدیگر بوده، برای همه مقامات حکومت نسبت به مردم و مردم نسبت به همه مقامات حکومت، با استفاده از همه ابزارهای مشروع و قانونی مدنظر قرار گرفته است. در این اصل مردم، موظف اند بر حسن اجرای وظایف حاکم اسلامی و مسئولین نظارت کنند و در تحقق اهداف و آرمان‌هایی که در قانون اساسی بیان شده است، دولت را یاری رسانند. مراد از مردم در اینجا، یکایک اعضای دولت-کشور یا شهروندان جمهوری اسلامی ایران است که در علاوه بر اقدام فردی می‌توانند به صورت جمعی نیز چنین نظارتی را داشته باشند.

بر اساس اصل بیست و چهارم، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند که تفصیل آن را قانون معین می‌کند. این اصل، موجبات ارتقاء سطح پاسخگویی و تکریم جایگاه والای رسانه‌های سمعی و بصری را فراهم آورده است.

بر اساس اصل بیست و ششم، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده، آزادند؛ مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند و هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

۱ جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: پورعزت، علی اصغر، ۱۴۰۳. حکمرانی ما؛ رویکرد مرگ آگانه به خطاهای گذاری و حکمرانی متعالی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها



قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، دارای مبانی چندگانه در ابعاد گوناگون بوده، بر اساس مبانی سیاسی آزادی اطلاعات، بر تحقق مفهوم «شفافیت» صحنه می‌گذارد. رعایت شفافیت، همراه با حفظ مقررات مربوط به حریم خصوصی، اسرار دولتی، اطلاعات طبقه بندی شده، نشر اکاذیب، عفت عمومی، مصالح عمومی و مفاهیمی از این دست، برای مبارزه با فساد و تبعیض در جامعه ضرورت دارد. «مشارکت عمومی» نیز از شاخص‌های دیگر بعد سیاسی است که برای تحقق دموکراسی مشارکتی، به منزله غایت رویکرد ارزشیابی مردم‌محور، معنا می‌یابد. «پاسخ‌گویی» حکومت نسبت به آنچه باید انجام دهد و آنچه انجام داده است، از دیگر موضوعات مبانی سیاسی این قانون است.

در مبانی حقوقی، به ابعادی مانند «آزادی بیان و رسانه‌ها»، به منزله عامل کشف حقیقت و ارتقای مدارا و مراوده بین اندیشه‌ها، اشاره شده و در بحث «مالکیت عمومی اطلاعات و خلاف قاعده بودن محرمانگی»، به موضوع حقوق مردم و اختیارات آنها در آگاهی از آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد، پرداخته شده است. ایجاد فرصت برابر برای همه اعضاء جامعه، از حقوق اساسی به شمار می‌آید، خود مانع از ایجاد ائتلاف و رانت در گروهی از جامعه می‌شود. این اصل، ابزار سودمندی برای نظارت مردم بر تصمیم‌ها و عملکرد مدیران بخش‌های عمومی و دولتی فراهم می‌نماید. از منظر مبانی اجتماعی و فرهنگی قانون نیز حق دسترسی آزاد به اطلاعات، نوعی رویکرد «توانمندسازی» برای افراد جامعه است.

قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات، به منظور مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، دسترسی دولت به اطلاعات و تبادل داده‌ها بین دستگاه‌ها و نهادهای گوناگون را تسهیل می‌کند. مطابق این قانون، داده‌ها و اطلاعات ملی، با رعایت مسائل امنیتی و حفظ محرمانگی اشخاص، در اختیار دولت قرار می‌گیرند. همچنین، دولت می‌تواند با کسب مجوز از کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، این داده‌ها را نگهداری کند. این قانون، به منظور افزایش قدرت حکمرانی، ساماندهی و انسجام بخشی به نظام تبادل داده‌ها و اطلاعات و همچنین تسهیل دسترسی به اطلاعات پایه، برای کسب و کارهای بخش خصوصی، اجرا می‌شود.

• قانون‌گذاری

اگر امر به معروف و نهی از منکر برای تحقق نیاز به قدرت داشته باشد، باید چارچوب‌های قانونی به طور کامل دیده شود. این امر از باب وجوب مقدمه واجب بوده، امری لازم و تخلف ناپذیر است و دولت اسلامی وظیفه دارد با وضع قوانین، سازوکارهای تحصیل قدرت را برای مردم فراهم کند تا آنها بتوانند در مسیر تحقق این فریضه (امر واجب) گام بردارند تا شاید بتوان بخشی از ظرفیت‌های کسب قدرت را در اصولی از قانون اساسی، تحت عنوان حقوق ملت، جستجو کرد.

با توجه به ضرورت‌های مورد اشاره در دین مبین اسلام و گزاره‌های منطقی و ادبیات حاکم بر قانون اساسی، می‌توان بیان کرد که برای شناخت قضاوت‌های جامعه درخصوص نحوه برنامه‌ریزی و اقدامات حاکمیت در راستای رفع نیازهای مردم و نیز در قالب توجه به رضایت‌مندی ذی‌نفعان و آرای افکار عمومی، تمهیدات قانونی ویژه‌ای جهت زمینه‌سازی پایش، نظارت و ارزشیابی مردم‌محور برنامه‌ها و خط‌مشی‌های دولت و حاکمیت، ضروری است. چنین زمینه‌ای با بازنمایی آثار



اقدامات در جامعه و با آرای مردم، سازوکار بروز و ظهور دیدگاه‌های مردم در نظام حکمرانی نوین را فراهم آورده، به مثابه نوعی سیستم باز هوشمند، امکان بازخورگیری از جامعه و توسعه تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد را فراهم می‌آورد و در پی آن، مشروعیت سیاسی و مقبولیت را برای جمهوری اسلامی ایران افزایش داده، زمینه افزایش سرمایه اجتماعی را تأمین می‌کند و در پی آن، اعتماد عمومی به بخش عمومی را افزایش داده، میزان مشارکت در نظام حکمرانی را تقویت می‌کند.

فرهنگ سازی

فرهنگ را می‌توان به‌مثابه اتمسفر حکمرانی در نظر گرفت؛ محیطی که در آن ارزش‌ها، قوانین، دانش و همه عواملی که هویت یک جامعه را تشکیل می‌دهند، به صورت پیچیده با یکدیگر در مرادده قرار می‌گیرند. بدون این محیط، عملاً مرادده‌ای شکل نمی‌گیرد و اتفاقی رخ نمی‌دهد. در این امتداد، فرهنگ ارزشیابی مردم‌محور نیز به مثابه اتمسفر زیست آن، ضروری است. این فرهنگ باید به طور متوازن در میان جامعه، حکمرانی و نهادهای واسط آن شکل بگیرد و توسعه یابد.

• فرهنگ پاسخ‌گویی

یکی از اهداف اصلی ارزشیابی، پاسخ‌گویی مدیران به نهاد حکمرانی و پاسخ‌گویی حکمرانان به مردم است. حکومت به منزله تنظیم‌گر، موظف است ارزش عمومی و نتایج حاصل از پول مالیات دهندگان و فعالیت‌های دولتی را به حداکثر برساند. حکمرانی پاسخ‌گو، در باره نحوه تنظیم‌گری خویش و میزان کارایی و تناسب در عملکرد خویش در پیشگاه جامعه، با شفافیت عمل می‌کند. در همین راستا، به واسطه ارزشیابی مردم‌محور، بر انگیزه و زمینه پاسخ‌گویی حکمرانی بیش از پیش تأکید می‌شود. بنابراین، کاربست پژوهش‌های ارزشیابی برای سیستم حکمرانی پاسخ‌گو، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

• فرهنگ گفتگوی عمومی

ایجاد زمینه‌های گفتگو در جامعه، با قانون‌گرایی و بی‌طرفی حکومت‌ها در فضای عمومی ارائه اندیشه‌ها و انتقادات دربارہ سیستم حکمرانی، از نشانه‌های حکمرانی خوب است. لازم است مردم به فکر کردن تشویق شوند و آزادانه افکارشان را بیان کنند و به تعبیری «عرصه عمومی» و فضای گفتگو ایجاد گردد. از نشانه‌های برجسته در فقدان چنین فضایی، آن است که سیستمی بسته با رویکردی تمرکزگرایانه بر حکمرانی تسلط خواهد یافت. باید توجه داشت که پیامد کنار گذاشتن ابزارهای فوق، در قالب نوعی بی‌تفاوتی سازمانی و مدنی و اجتماعی، در سطح ملی و فراگیر نمود خواهد یافت.

• ترویج فرهنگ کاربست اطلاعات

۱ حکمرانی خوب بر اساس تعریف انیسیتو حکمرانی اوتاول، ترکیبی از سنت‌ها، قواعد و آداب و رسوم، شامل نهادها، و فراگردهای می‌شود که تعیین می‌کند چگونه قدرت باید اعمال گردد؛ چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیم‌ها، در مباحث عمومی اتخاذ می‌شوند. در اینجا، منظور از حکمرانی خوب، مجموعه‌ای از فراگردهایی است که از طریق نهاد حکومت در مرادده با جامعه مدنی و بخش خصوصی، با رعایت اصولی چون شفافیت، پاسخ‌گویی، قانون‌گرایی، برابری و جلب مشارکت، همه منابع کشور را در خدمت نفع همگانی و ارتقاء سطح زندگی و رفاه همه مردم قرار می‌دهد.



اهمیت استفاده از اطلاعات و کلان‌داده‌ها در خط‌مشی‌گذاری، امری بدیهی بوده، از اصول پایه خط‌مشی‌گذاری محسوب می‌شود. اگر میزان انتشار اطلاعات در کشور را با میزان کاربست اطلاعات در کشور مقایسه کنیم، یکی از مسائلی که نمایان می‌شود، مسئله بلوغ و سواد اطلاعاتی است. مرور پژوهش‌های انجام شده در مراجع دانشگاهی و کارشناسی، نشان می‌دهد که عمدتاً در ارجاعات، به منابع محدودی مانند مرکز آمار اکتفا می‌شود. درحالی که نسبت اطلاعات منتشر شده از سوی سازمان‌های گوناگون بسیار بیش از این بوده است. یکی از برنامه‌هایی که باید روی آن تامل شود ارتقاء یابد، فرهنگ استفاده از اطلاعات است.

• جریان و انتشار اطلاعات

ارزشیابی به منزله فراگردی که در آن قضاوت‌های ذهنی ذینفعان در باره هر خط‌مشی ویژه، مورد بررسی قرار می‌گیرد، نیازمند تحقق پیش‌شرط آگاهی اجتماعی درباره موضوع است. بر همین اساس، تحقق ارزشیابی مردم‌محور را می‌توان به آگاهی عمومی و دسترسی جامعه به اطلاعات مربوط به عملکرد سیستم حکمرانی منوط دانست. در این راستا جریان یافتن اطلاعات به منزله یکی از بایسته‌های عملیاتی ارزشیابی مردم‌محور، از دو رکن انتشار اطلاعات از سمت حکمرانی برای مردم و رکن انعکاس آرا و قضاوت‌های مردم در باره اقدامات حکمرانی مدنظر قرار داد.

به تعبیر امیرالمومنین علیه‌السلام، تربیت مردم از وظایف سیستم حکمرانی است^۱ و رسالت انبیاء، چیزی جز شکوفا کردن عقل مردم نیست^۲. این امر بر عهده حکومت‌ها هست که عقل و دانایی را در مردم پرورش دهند. اشاعه اطلاعات درست و شفاف، به آگاهی و قدرت تشخیص و تمیز آحاد جامعه وسعت می‌بخشد.

یکی از چالش‌های زیرساختی ارزشیابی مردم‌محور، انتشار اطلاعات صحیح از سوی سیستم حکمرانی است. پژوهش‌های ارزشیابی در کشف قضاوت‌های ذهنی ذینفعان، بر پیش‌شرطی مهم تاکید ویژه دارند؛ آگاهی و اطلاع مخاطب ذینفع از موضوع و همچنین دسترسی به اطلاعات معتبر و صحیح درباره موضوع مورد مطالعه (خط‌مشی مورد ارزشیابی)؛ پیش‌شرطی که بر امکان دسترسی به منابع اطلاعاتی معتبر و انتشار داده‌های عینی درست از آن تاکید دارد.

یک مشکل اساسی در این فراگرد، عدم نظارت قانونی بر منابع و مراجع ذی‌صلاح دولتی است که گاهی با ارائه اطلاعات مغشوش و نادرست، اذهان عمومی را دچار خطا می‌سازد. در حالی که مردم (ذینفعان)، با این نقل‌قول‌های نادرست، به منزله شواهد و مستندات عینی، دچار دریافت‌های ذهنی نادرست و متعاقباً تحلیل و قضاوت‌های اشتباه درباره موضوع می‌شوند. این نوع از انتشار اطلاعات، گاهی توسط مراجع ذی‌صلاح در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی اتفاق افتاده است؛ نه مراجع غیرذی‌صلاح و یا خارجی، بنابراین گویا نوعی تدبیر قانونی و ضمانت‌های اجرایی در این باره ضرورت دارد. به هر حال، عملاً جریان یافتن اطلاعات، نیازمند تجهیز زیرساخت‌های قانونی، فناوری‌نه-ارتباطی در سایه گسترش فرهنگ مرتبط با آن، در ساحت حکمرانی بوده، که تقویت نهادهای واسطه، به تسهیل این امر کمک می‌کند.

۱ نهج البلاغه؛ خطبه ۳۴: «... فَأَمَّا حُكْمُ عَلِيٍّ فَالْتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا»
۲ نهج البلاغه؛ خطبه ۱: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمُ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِنْ قَطْرَتِهِ... وَ يَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ...»



تقویت نهادهای واسط

بحث از تنوع نمایندگان، به حضور نهادی سمن‌ها و نهادهای مدنی، نخبگانی و رسانه‌ها به مثابه لایه‌های گوناگون قدرت یافته میانی و واسط در جامعه، ارتباط دارد. وجود جامعه مدنی آگاه و فعال، تاثیر به‌سزایی بر دموکراسی‌سازی جامعه دارد. لذا حکمرانی اساسا باید نخبگان خود را مخاطب قرار دهد. مردم به نخبگان و فرهیختگان خود نمایندگی می‌دهند تا در جایگاه ناظران آگاه، زبان گویای آنان باشند. مردم رکن جامعه مدنی بوده، و جامعه مدنی بر طبقه آزاد و دغدغه‌مند جامعه و در عین حال مطالبه‌گر و نظارت‌گر افعال و عملکرد حکمرانی دلالت دارد؛ مطالبه‌گرانی که باید قصورها و کج‌روی‌های احتمالی حکمرانی را اصلاح نمایند. بر اساس این نگرش، با مراتبی از توسعه‌یافتگی در جامعه مدنی، اکثریت جامعه به ناظران فعال بر خط‌مشی‌ها و اقدامات حکمرانی بدل شده، امکان پژوهش را برای پژوهشگر ارزشیابی فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، رسانه‌ها و مراجع خبری، زمینه جریان‌یابی و انتشار اطلاعات را فراهم آورده، با گسترش فضای مجازی، آن را از انحصار گروه‌های خاص خارج کرده، به منزله یک بازیگر کلیدی در جریان دهی اطلاعات، ایفا نقش می‌کنند و می‌توانند به اذهان عمومی جهت دهند. نفوذ بر افکار عمومی، این رسانه‌ها و مرجع واسط دیگر را به نوعی قدرت نهادی تبدیل می‌کند.

یکی از پارادوکس‌های قدرت نهادی شده، رابطه معکوسی است که بین نهادمندی قدرت (صاحب منصبانی که حس تعلق به مسند قدرت خود دارند) و پویایی (در قالب چرخش نخبگان) قابل تصور است. در این ماجرا از یک سو به ثبات نمایندگی نخبگان، به منزله زبان رسا و عقل‌بلوغ یافته جامعه و از سوی دیگر، به ایجاد چرخش قدرت بین نخبگان و صاحبان اندیشه‌ها و شایستگان، اشاره می‌شود. طبق نظریه پارتو، پیامد توقف گردش نخبگی، ناکارآمدی و فساد است؛ ضمن اینکه ویژگی خطرناک نهادی شدن قدرت، تمایل به رسوب قدرت در سیستم‌های اجتماعی را دامن می‌زند؛ در واقع، پویایی قدرت در چرخش نخبگان، به منزله جایگزینی قوی برای رفع این فراگرد معیوب، عمل می‌کند و به طور مستمر می‌تواند خود را اصلاح نماید.

پیامد ارزشیابی مردم‌محور

در ساحت مردم‌سالاری، ارزشیابی مردم‌محور، در پی جلب رضایت مردم بوده، پیامدهای مهمی به همراه دارد؛ پیامدی که اداره جامعه و مطلوبیت حکمرانی، بسیار حائز اهمیت اند. اولین پیامد، بالابردن ارزش سرمایه اجتماعی است. این امر، با گستردگی حضور مردم اتفاق می‌افتد و هنگامی که مردم صدای خویش را به حاکمیت می‌رسانند، شنوا بودن سیستم حکمرانی برای مشکلات خود را رصد کرده، اعتمادشان به حاکمیت بالا می‌رود و موجب گسترش سرمایه اجتماعی می‌شود و در پی آن، مشروعیت سیاسی حاکمیت را بالا می‌برد. در حالتی که مردم از حکومت رضایت دارند و دستگاه حکمرانی را مناسب زیست خود می‌دانند، بازخورهای مناسبی دریافت می‌شوند. این بازخورهای مثبت، سرمایه‌ی اصلی هر سیستم حکمرانی بوده، بدون حضور و وجود آنها، همه سیستم حکمرانی متزلزل می‌شوند و در معرض فروپاشی قرار می‌گیرند.



با نگاهی سیستمی به حکمرانی سیاسی، پیامد دوم معنا می‌یابد؛ زیرا این موارد، تامین‌کننده موتور محرکه جامعه و بازخورد فعالیت‌های حکمرانی اند و همچنین کمک می‌کنند تا مجرای بازخوران سیستم، روان و باز بماند و روابط مردم و نظام سیاسی بهینه‌تر شود. پیامد منفی آن نیز دال بر این معنی است که با عدم ارائه بازخورد مثبت از مردم، جامعه مستعد شورش، آشوب و انقلاب می‌شود. این در واقع نقطه پایانی برای سیستم‌های حکمرانی موجود است؛ به ویژه سیستم‌هایی که صداهای جامعه خویش را به خوبی نمی‌شنوند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، بایسته‌های پژوهشی‌های ارزشیابی مردم‌محور درباره خط‌مشی‌های عمومی مورد بررسی قرار گرفته درباره سه مولفه ضروری برای توسعه این نوع از ارزشیابی در ساحت عمل حکمرانی، بحث شد.

اول، توسعه دانش ارزشیابی مشارکتی است که مقدمه تحقق امر نو پدید «ارزشیابی مردم‌محور» است و که با طراحی الگوهای نوین ارزشیابی و شاخص‌های متناسب با آنها، افقی جدید را می‌گستراند. شاخص‌های و ابزارهای کنترل در ساحت روش‌شناختی، به منزله یکی از راهبردهای مهم در ارتقاء پژوهش‌های ارزشیابی می‌تواند به سنجش علمی و عینی جامعه کمک کرده، گام ارزشمندی به جلو بردارد. در این مسیر، توجه به مبانی فرهنگ و اندیشه ایرانی و اسلامی برای دستیابی به مجموعه کاملی از شاخص‌های ترکیبی، بسیار حائز اهمیت است.

دوم، گسترش ظرفیت‌های قانونی که به منزله زمینه سخت و محکم برای پیاده‌سازی، مدنظر بوده، ریشه در اصل ۸ قانون اساسی دارد. این امر، به قوانین جدیدی برای آزاد ساختن دست حکمرانان در تحقق این اصل نیاز دارد.

سوم، فرهنگ‌سازی در حوزه‌های گوناگون، جو و اتمسفر حمایتگر این پدیده فراهم می‌آید. برای توسعه این مهم، باید در کلیه ساحت‌های حکمرانی (حکومت، مردم و نهادهای واسط) اقداماتی صورت گیرد؛ اقداماتی که این سه ضلع تحقق حکمرانی را تقویت کند. زیرا این سه ضلع بدون یکدیگر قادر به طی مسیر پر مشقت حکمرانی نیستند. در این راستا، باید فرهنگ کاریست اطلاعات ترویج گردد و زمینه‌ای مناسب برای بیان انتقاد دلسوزانه، آزادانه و سازنده در جامعه فراهم آید تا در سایه قانون‌گرایی و بی‌طرفی دولت‌ها، بتوان در «فضای عمومی» اندیشه‌ها و آراء گوناگون اجتماعی همراه با انتقادات به سیستم حکمرانی، به توسعه مشارکت کمک کرد و فرهنگ پاسخ‌گویی را در میان مدیران سیستم حکمرانی و مردم، توسعه داد.

بنابراین، امید است که پیاده‌سازی ارزشیابی مردم‌محور، با توسعه این باور که مردم می‌توانند صدای خویش را به سیستم حکمرانی برسانند، اعتماد به بخش عمومی را افزایش داده، زمینه‌ساز افزایش سرمایه اجتماعی گردد؛ به نحوی که پایه‌های مشروعیت سیاسی حاکمیت را مستحکم‌تر نموده، زمینه می‌نماید و بالطبع مشارکت سیاسی مردم در امر حکمرانی را بیش از گذشته به همراه آورد.



۱. اکبری، مرتضی. (۱۳۹۸). اعتبارسنجی و سنجش کیفیت در پژوهش‌های کمی، کیفی و آمیخته. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۴(۹۴)، ۲۳-۴۵.
<https://doi.org/10.30471/mssh.2018.1448>
 ۲. الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۸۵). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. دانشگاه علامه طباطبائی.
 ۳. پورعزت، علی اصغر؛ (۱۴۰۳). حکمرانی ما؛ رویکرد مرگ آگانه به خط‌مشی‌گذاری و حکمرانی متعالی. سمت.
 ۴. پورعزت، علی اصغر؛ (۱۳۹۶). ارزشیابی عملکرد دولت و حکومت. سمت.
 ۵. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۴). مدیریت از طریق ارزشیابی عملکرد برای هدایت مسیر پیشرفت جامعه. مرکز الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت.
 ۶. پورعزت، علی اصغر و مینا سادات، هاشمی کاسوایی. (۱۳۹۴). بازشناسی هویت مدیریت دولتی. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲(۵)، ۲۸۵-۲۹۹.
 ۷. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۰). بررسی جایگاه عامه مردم در سیستم مهار و موازنه قدرت. مطالعات مدیریت و بهبود تحول، ۶۴، ۱۹-۵۳.
 ۸. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۰). مبانی مدیریت دولتی. سمت.
 ۹. جاوید، محمد جواد، و فتاحی زفرقندی، علی. (۱۳۹۲). راهکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی. دانش حقوق عمومی، ۲(۶)، ۶۹-۸۸.
 ۱۰. رستمی، ولی. (۱۳۸۷). مشارکت مردم در قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران. مطالعات حقوق خصوصی، ۳۸(۱)، ۱۷۹-۲۰۴.
 ۱۱. رنجبر، محمد. (۱۳۸۲). هویت ملی و مشروعیت سیاسی در ایران معاصر. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶(۲۱)، ۶۱۹-۶۴۹.
https://quarterly.risstudies.org/article_1042.html
 ۱۲. زمانی، رؤیا، و ارسیا، بابک. (۱۳۹۷). هویت ملی و مشروعیت سیاسی در ایران. پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، ۲(۱)، ۹۵-۱۱۷.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1486687>
 ۱۳. فولادی، محمد. (۱۳۹۴). مشارکت سیاسی؛ جلوه‌ها و آثار. معرفت.
 ۱۴. عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۸). مقایسه مردم‌سالاری دینی و لیبرال‌دموکراسی. فصلنامه راهبرد یاس، ۲۱، ۲۹۱-۳۱۱.
 ۱۵. قلی‌پور، آریین. (۱۳۹۲). نهادها و سازمانها (اکولوژی نهادی سازمانها). سمت.
 ۱۶. مرکز نشر آثار امام خمینی ره. (بدون تاریخ). صحیفه امام (ج ۶).
 ۱۷. مسعود، اخوانفرد، ابوطالب. اصغری جیرنده. (۱۳۹۴). بررسی چالش‌های حقوقی و نهادی نظارت همگانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر ظرفیت‌های نهادی امر به معروف و نهی از منکر). مطالعات حقوق بشر اسلامی.
 ۱۸. واعظی، رضا؛ شریف‌زاده، فتاح؛ محمدی، م. (۱۳۹۴). شناسایی و الویت‌بندی الگوهای ارزیابی خط‌مشی عمومی. علوم مدیریت ایران، ۲(۴۰)، ۱-۲۲.
۱۹. Alexander, J. C., & Seidman, S. (2008). *The New Social Theory Reader*. Routledge.
<https://books.google.com/books?id=zWFMPwAACAAJ>
 ۲۰. Bickham, S. B., & Francis, D. B. (2021). The Public's Perceptions of Government Officials' Communication in the Wake of the COVID-19 Pandemic. *Journal of Creative Communications*, ۱۶(۲), ۱۹۰-۲۰۲. <https://doi.org/10.1177/09732586211003856>
 ۲۱. Braun, V., & Clarke, V. (2021). *Thematic Analysis: A Practical Guide*. SAGE Publications.
<https://books.google.com/books?id=mToqEAAAQBAJ>
 ۲۲. Dye, T. R. (2013). *Understanding Public Policy* (fourteen). Pearson.
 ۲۳. Gottlieb, R. S. (1984). Feudalism and Historical Materialism: A Critique and a Synthesis. *Science & Society*, 48(1), 1-37. <http://www.jstor.org/stable/40402557>
 ۲۴. Hanberger, A. (2001). What is the Policy Problem? *Evaluation* (۶۲-۴۵ صص شماره ۱، ۷، شماره ۱). SAGE.
<https://doi.org/10.1177/13563890122209513>



۲۵. Hesse-Biber, S. N., & Johnson, R. B. (ویراستاران). (2015). *The Oxford Handbook of Multimethod and Mixed Methods Research Inquiry*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199933624.001.0001>
۲۶. Levi, M., Sacks, A., & Tyler, T. (2009). Conceptualizing Legitimacy, Measuring Legitimizing Beliefs. *American Behavioral Scientist*, 53(3), 354–375. <https://doi.org/10.1177/0002764209338797>
۲۷. Lipset, Seymour, & Martin. (1959). Some Social Requisites of Democracy : Economic Development and Political Legitimacy. *American Political Science Association*, 53(1), 69–105.
۲۸. McNamara, G., O’Hara, J., Boyle, R., & Sullivan, C. (2009). Developing a culture of evaluation in the Irish public sector: The case of education. *Evaluation*, 15(1), 101–112. <https://doi.org/10.1177/1356389008095492>
۲۹. Meyer, J. W., & Rowan, B. (1977). Institutionalized Organizations: Formal Structure as Myth and Ceremony. *American Journal of Sociology*, 83(2), 340–363. <https://doi.org/10.1086/226550>
۳۰. Mickwitz, P., & Kivimaa, P. (2007). Evaluating Policy Integration: The Case of Policies for Environmentally Friendlier Technological Innovations. *Evaluation*, 13(1), 68–86. <https://doi.org/10.1177/1356389007073682>
۳۱. PLOTTU, BÉATRICE. PLOTTU, ERIC. (2009). Approaches to Participation in Evaluation. *Evaluation*, Vol 15(3), 343–359. <https://doi.org/10.1177/1356389009106357>
۳۲. Prado-Román, C., Díez-Martín, F., & González, A. (2020). The effect of communication on the legitimacy and performance of organizations. *Review of Business Management*, 22. <https://doi.org/10.7819/rbgn.v22i3.4071>
۳۳. Scott, W. R., & Davis, G. F. (2016). *and Organizing Rational , Natural , and Open System*.
۳۴. Stufflebeam, D. L., & Coryn, C. L. S. (2014). *EVALUATION THEORY, MODELS, AND APPLICATIONS*. Jossey-Bass (Second).